

گفتیم بنشینیم درباره سوره‌های قرآن بنویسیم تا مگر هم خودمان به چیزی برسیم و هم مسیری ساخته باشیم برای عده‌ای که می‌دانند قرآن کتاب خوب و به درد بخوری است اما ابهت این کتاب جوری گرفتارشان کرده است که نمی‌توانند جز به قصد ثواب و به صرف روخوانی طرف قرآن بیایند. این مسیر باید ساخته بشود و باید کتاب خدا را با حفظ همه قداستش چنان پیش چشم گذاشت که بی‌واسطه بتوان چیزی از آن فهمید و به کار بست. ما هم می‌دانیم که قرآن محکم و متشابه دارد اما نمی‌توان به خاطر خطر متشابهات که خیلی هم راحت رفع می‌شود قرآن را بوسید و گذاشت کنار. بالاخره ماییم و همین یک کتاب که راست و مستقیم از خالقمان به دستمان رسیده و توی این بلیشوی آرا و نظریات که هر کدام با حرف‌های گاه شاخ به شاخ هم، روح انسان سرگشته امروز را به طرفی رهنمون می‌شوند، الحق و الانصاف اگر دستمان از دامن قرآن کوتاه بماند سرمان گشته ی گشته خواهد بود. آن هم قرآن که نه تنها حرف هایش طلاست که گفتش هم نوبر و غوغاست. هم ظاهرش قشنگ است و هم باطن. چی از این بهتر؟ اگر مسیر استفاده از قرآن برای نسل‌های مختلف باز شود و طعم قرآن خواندن واقعی زیر زبان کسی برود به سیل همه دیگرانی که خودشان را تکه پاره می‌کنند تا حرف‌های قشنگ قشنگ بزنند می‌خندد.

اما مشکل این‌جاست که این مسیر هموار نشده و در ذهن مسلمان بی‌چاره جز همان قرائت زیبا که برای غیر عرب به سطح یک آواز زیبا تنزل پیدا کرده و قرآن سر قبر و سفره هفت سین تصور دیگری وجود ندارد. و اگر نیت استفاده هم نکند راهش می‌کنند به مسیر پر پیچ و خمی که اگر خواص هم سراغش نمی‌رفتند برهوت برهوت بود. برای فهم پیچیدگی‌های قرآن استاد تفسیر لازم است و کتاب فلان و بهمان لازم است و باقی چیزهایی که به ذهن من و شما می‌آید همه لازم است اما راستی استفاده از قرآن به همین یک مسیر منحصر است و خداوند قرآن را فرستاده است که عده‌ای عمرشان را صرف مفرداتش بکنند و بقیه یا ریزه‌های سفره محققان را بخورند یا به همان قرائت بی نور خوش‌نوا اکتفا کنند؟ نمونه‌های زیادی در تاریخ اسلام وجود دارد که انسان‌های بی‌سواد عامی بادیه نشین با آیه‌ای از قرآن زیرورو می‌شدند و چرا حالا ما با همه ادعای فهم ورشد و باقی چیزهای خوب، در برابر انبوه تکرار همان آیات تکان‌دهنده ساکنیم؟ جز به این خاطر که به بهانه تقدس و پیچیدگی و... قرآن را از ساخت فکر خود دور نگه داشته ایم و راضی به همان ختم ماه رمضان که گاه آب از آب را در دل‌هایمان تکان نمی‌دهد!

قصد ورق‌های آسمانی این بود که با خلاصه‌ای که از سوره‌های قرآن می‌دهد تصویری جمع و جور از محتوای هر سوره را در اختیارتان بگذارد تا زمینه‌ای شود برای حضور در محضر تک تک آیات و بعد با برشمردن نمونه‌هایی از پیام‌های جذابی که در آن سوره به چشم نویسنده می‌آمد، جرات دقت و بیرون کشیدن حرفی متناسب نیازهای امروزان را به شما منتقل کند. دست آخر نکته‌ای که توضیح بیشتری می‌خواست، در ختم کلام گنجانده شد. همین ویس. نه به ثواب سوره‌ها کار داشتیم و نه به باقی حواشی قضیه جز در مواردی خاص که اهمیت حاشیه‌ها بیشتر از اصل متن می‌شد. واقعا نمی‌دانم این شکلی چقدر توانستیم مسیری را که گفتیم پی ریزی کنیم. شاید هیچی اما همین قدر مطمئن هستیم که چنین نیت کرده بودیم و برایش سعی نمودیم و «لیس للانسان الا ما سعی»!

چرا ورق‌های آسمانی را نوشتیم!
محمدحسین شیخ شعاعی

حکایت‌های آسمانی

